



حساب جاری محصلین/متعلمین

عزیزی بانک مسرت دارد که محصول ویژه ای خود را به نام "حساب جاری محصلین/متعلمین" راه اندازی کرده است. با افتتاح حساب متذکره، برای محصلین/متعلمین، کارت مجانی ماشین خود بردار صرافی و ماستر دیت کارت با تخفیف فیس سالانه داده میشود.



www.azizibank.af

1515

عزیزی بانک
Azizi Bank

عنوان‌های مهم

د ملاله یوسفزی د ژوند اړوند ۷ خبرې

د نوبل جایزې گټونکې ملاله یوسفزی له بی‌بې‌سي سره تازه مرکه کې د خپلو زدکړو، د راتلونکې په اړه د هیلو او پر دې خبرې کوي چې ولې یې د برمینگم گړدود (لهجه) خوښ دی...



۲

نیویارک تایمز: رژیم ایران با نقشه حمله به سفارت امارات در اتیوپی مرتبط بوده است

روزنامه نیویارک تایمز در گزارشی اعلام کرد ۱۵ نفری که به اتهام بررسی حمله به سفارت امارات متحده عربی در ادیس ابابا، پایتخت اتیوپی بازداشت شده‌اند با جمهوری اسلامی ایران مرتبط بوده‌اند...



۸

افغانستان و تهدید موج پنجم تروریسم

این موج از تروریسم، هم به هدف قرار دادن شخصیت‌های تاثیرگذار اقدام می‌کند، هم بر مبنای ضد استعمار خارجی است و هم از تکنیک‌های اختطاف استفاده می‌کند و هم رفتار خود را با باورهای مذهبی توجیه می‌کند. از این رو این نوع از تروریسم، ترکیبی از تمام تکنیک‌های امواج پیشین است.

۳

دیگر خواندنی‌ها در این شماره

مخالفت با بودجه؛ مخالفت با تفکیک قوا

۳

پایتخت نابسامان و مدیریت زباله پیامدهای عدم مدیریت زباله



www.eafworld.com

روش‌های اجرایی مختلفی برای جمع‌آوری زباله در مناطقی که سروی انجام شده است، وجود دارد و مشکلات آنها نیز متفاوت است: در اکثر مناطق، روش جمع‌آوری زباله بستگی به خدمات شاروالی دارد و در برخی مناطق هم خدمات خصوصی وجود دارد. در نقاط پلانی چون خوشحال خان و کارته ۳ و ۴، خدمات بخش خصوصی به صورت خانه به خانه جمع‌آوری می‌کنند، درحالی‌که در مناطق غیرپلانی شاروالی از زباله‌دانی‌های عمومی انتقال می‌دهد و خدمات جمع‌آوری ...

۵

ارگ: افغانستان د ناټو دوامداره مرستو ته اړتیا لري؛ ملا برادر: د دوچې تړون دې عملي شي

۲

فیفا: عدم اصلاحات انتخاباتی تبعاتی منفی روی روند انتخابات می‌گذارد

۲

ناتو: امنیت افغانستان اولویت ماست

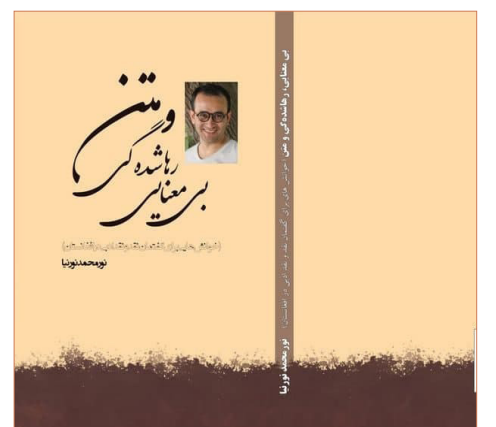
۵

عذرخواهی نخست‌وزیر استرالیا: اتهام تجاوز در پارلمان را بررسی می‌کنیم

۸

نگاهی به «بی‌معنایی، رهاشدگی و متن» اثر نور محمد نوری

«بی‌معنایی، رهاشدگی و متن» با نام فرعی خوانش‌هایی برای گفتمان نقد و نقد ادبی در افغانستان، کتابی است که نویسنده در آن کوشیده تا خوانش‌هایی از آثار تولید شده در دههٔ پسین را ارائه کند. او هم‌چنین تحقیقاتی با عنوان مختلف انجام داده است. اسم این کتاب به زیبایی و با تطابق درست انتخاب شده است...



۴

شرکت خدمات اینترنتی ضحاک تکنالوژی

- خدمات اینترنت از طریق بیسیم
- خدمات اینترنت از طریق کابل فایبر نوری
- خدمات اینترنت از طریق مایکرویف
- خدمات اینترنت از طریق وایست
- خدمات مکمل ای سی تی
- خدمات شبکه سازی
- خدمات دیتابیس

0786 873 535

sales@ztechisp.com

www.ztechisp.com

نرخ اشتراک در روزنامه

مدت	هزینه اشتراک
یک سال	۶۰۰۰ افغانی ادارات دولتی و خصوصی
شش ماه	۳۰۰۰ افغانی ادارات دولتی و خصوصی
یک سال	۲۰۰ دالر دفاتر و موسسات خارجی
شش ماه	۱۰۰ دالر دفاتر و موسسات خارجی
یک سال	۳۰۰۰ افغانی دانشجویان و خانواده‌ها



مدیت

سال دهم • چهارشنبه ۲۹ دلو ۱۳۹۹

افغانستان و تهدید موج پنجم تروریزم

● محمدهادی ابراهیمی

وقتی پس از حملهٔ یازدهم سپتامبر مشخص شد که این حمله از سوی القاعده که در افغانستان پایگاه داشت برنامه‌ریزی شده است، سیاست‌مداران امریکا و کشورهای قدرت‌مند جهان به میزان قدرت تروریزم بین‌المللی پی بردند و به این نتیجه رسیدند که نادیده گرفتن خطرهای بالقوهٔ تروریزم، تا چه اندازه می‌تواند منافع ملی آنان و امنیت جهانی را با تهدید مواجه سازد. شاید دودِ فروریختن برج‌های تجارت جهانی که به چشم امریکا رفته بود، تاوان فراموشی افغانستان بود؛ افغانستانی که اینک به پایگاه تروریزم بین‌المللی تبدیل شده است.

پس از این حمله ایالات متحدهٔ امریکا در هفتم اکتوبر همان سال برای از بین بردن پایگاه تروریزم و با حمایت جامعهٔ جهانی و قطع‌نامهٔ شورای امنیت، به افغانستان حمله کرد و توانست در از بین بردن پایگاه‌های القاعده موفق باشد، اما حالا پس از بیست سال حضور در افغانستان و دغدغهٔ نقطهٔ پایان گذاشتن بر این حضور بیست‌ساله، دوباره احتمال تبدیل شدن افغانستان به پایگاهی برای تروریزم بین‌المللی از سوی گروه مطالعاتی افغانستان مطرح شده است.

همین‌طور ناتو نیز از تبدیل شدن دوبارهٔ افغانستان به پایگاه تروریزم ابراز نگرانی کرده است. بسیاری از کارشناسان حوزهٔ امنیت نیز بر این باورند که حضور تروریزم بین‌المللی در افغانستان می‌تواند دوباره تبدیل‌به به خطری برای جامعهٔ جهانی تبدیل شود.

در این میان محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور کشور نیز در موارد متعددی از اصطلاح (موج پنجم تروریزم) استفاده کرده است. به عنوان نمونه، می‌توان به سخنرانی وی در هفتاد و پنجمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل اشاره کرد. وی در قسمتی از این سخنرانی گفت: «ما در موج پنجم تروریزم جهانی زندگی می‌کنیم و می‌میریم، برای برقراری صلح پایدار در افغانستان، باید ریشه‌های تروریزم را که مانند طاعون در منطقه ما گسترش یافته و به یک تهدید جهانی تبدیل شده برطرف کنیم.» این سخنرانی اشرف غنی مربوط به سال ۲۰۲۰ است.

در سال‌های پیشین هم اشرف غنی به مسألهٔ موج پنجم تروریزم اشاره کرده است، مثلاً در کنفرانس دو روزهٔ افسران ارشد نیروهای امنیتی و دفاعی که در سال ۲۰۱۷، در کاخ ریاست جمهوری در کابل برگزار شده بود، اشرف غنی چنین اظهار داشت که: «جنگ افغانستان داخلی نیست؛ اگر این جنگ داخلی می‌بود باید خاتمه می‌یافت، اما اکنون ما در موج پنجم تروریزم بین‌المللی قرار دارد.»

همین گونه اشرف غنی در ماه میزان سال جاری شمسی در ملاقاتی که با خبرنگاران در کاخ ریاست جمهوری داشت نیز به موج پنجم تروریزم اشاره کرده بود و در تازه‌ترین مورد، در دوحه و ضمن سخنرانی خود در انستیتوت مطالعات منازعه و مسایل بشری به مواجه بودن افغانستان با موج پنجم تروریزم اشاره کرده است.

اما سوال اساسی این است که موج پنجم تروریزم چیست؟ این موج پنجم چه مشخصاتی دارد؟ کدام گروه‌های تروریستی را می‌توان موج پنجم انگاشت؟ آیا می‌توان طالبان را به عنوان موج پنجم تروریزم انگاشت و میزان تهدید موج پنجم تروریزم تا چه میزان است؟

امواج پنج‌گانهٔ تروریزم به چه معناست؟

طبقه‌بندی تروریزم مدرن در چهار موج، برای اولین بار از سوی دیوید راپوپورت، نظریه‌پرداز برجستهٔ انگلیسی مطرح شد. وی تروریزم را از سال ۱۸۸۰ تا کنون در چهار موج تقسیم‌بندی کرد. امواج چهارگانه‌یی که از سوی راپوپورت مطرح شدند عبارت‌اند از:
موج اول تروریزم که از ۱۸۸۰ شروع شده و به مدت چهل سال ادامه داشت. این موج، موجی بود که از سوی آنارشیست‌ها راه‌اندازی شده بود، آنارشیست‌ها معتقد بودند که برای آوردن تغییر در جامعه، باید به ترور افراد تاثیر گذار در جامعه اقدام کرد.

موج دوم تروریزم، تروریزم نشنالیتی بود، این تروریزم بر مبنای ملی‌گرایی و مقابله با استعمار شکل می‌گرفت، در این نوع از تروریزم، تروریست‌ها، اقدام به ترور نظامیان و سیاست‌مداران مربوط به دولت‌های استعمارگر می‌پرداختند. پیش‌قراولان این موج از تروریزم، سوسیالیست‌های لهستانی و برخی گروه‌های هندی خصوصاً در بنگال بودند. در هر دوی این موارد سنت تروریستی تا مدت‌ها پس از دستیابی به استقلال ادامه یافت. این موج نیز برای مدت چهل سال ادامه یافت.

موج سوم تروریزم، موج مارکسیستی تروریزم است که از سوی انقلابیون روسی پی‌گیری می‌شد. این تروریزم بر مبنای ایدئالوژی مارکسیزم بوده و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، رو به خاموشی گرایید. این نوع از تروریزم، بیشتر به آدم‌ربایی و در موارد بسیاری به هواپیماربایی محدود می‌شد، اما با افول ایدئالوژی‌های آنارشیستی، ناسیونالیستی و مارکسیستی، از سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ افراط‌گرایی مذهبی باعث ایجاد موج جدیدی از رفتارهای تروریستی شد. پیش‌بینی می‌شود که این موج تا سال۲۰۱۵ ادامه یافته و سپس جای خود را به رفتارهای نژادگرایانه دهد.

محکمه حقوق بشر اروپا در مورد حمله هوایی سال ۲۰۰۹ ناتو در کندز به نفع آلمان رای داد

● محکمه حقوق بشر اروپا پس از بررسی تحقیقات انجام شده مقامات آلمانی در مورد حمله هوایی سال ۲۰۰۹ ناتو در کندز، آلمان را براءت داد. شاکي این قضیه یک مرد افغان است که دو فرزندش را در این حمله از دست داده بود. عبدالحنان در حمله هوایی نیروهای ناتو در سپتمبر ۲۰۰۹ بر دو تانکر نفت در نزدیکی شهر کندز، دو پسر هشت و دوازده ساله خود را از دست داد. پیش از این حمله، طالبان دو تانکر نفت را ربوده بودند. در پی آن دو هواپیمای جنگی امریکایی، به دستور گئورگ کلاین جنرال آلمانی، این تانکرها را بمباران کردند. سازمان حقوق بشری «مرکز حقوق اساسی و حقوق بشر اروپا » می‌گوید که در این حمله «احتمالاً» بیش از صد تن کشته و زخمی شده بودند، که اکثر آنها غیرنظامی بودند. این نهاد از شکایت حقوقی عبدالحنان در برابر محکمه حقوق بشر اروپا حمایت کرد. محکمه قانون اساسی آلمان در دسمبر ۲۰۲۰ حکم خود را در رابطه با قضیه حمله هوایی ناتو صادر کرد. به اساس این حکم آلمان مجبور نیست به خانواده های قربانیان غیرنظامی جبران خسارت بپردازد.

تحلیل

یاد کرده است. به عنوان نمونه اشرف غنی در ضمن سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی مونیخ در سال۲۰۱۶، گفته بود که موج پنجم تروریزم، تکنیک‌های امواج پیشین تروریزم در یک و نیم قرن گذشته را به کار می‌گیرد.

این موج از تروریزم، هم به هدف قرار دادن شخصیت‌های تاثیرگذار اقدام می‌کند، هم بر مبنای ضد استعمار خارجی است و هم از تکنیک‌های اختطاف استفاده می‌کند و هم رفتار خود را با باورهای مذهبی توجیه می‌کند. از این رو این نوع از تروریزم، ترکیبی از تمام تکنیک‌های امواج پیشین است.

همین‌طور اشرف غنی در قسمتی از سخنرانی خود در هفتاد و پنجمین مجمع عمومی سازمان ملل به مشخصهٔ ارتباط موج پنجم تروریزم با شبکه‌های تروریستی و جنایی بین‌المللی اشاره کرده است.

برعلاوه اشرف غنی در همین سخنرانی خود به مشخصهٔ استفاده از اقتصاد جرمی از سوی موج پنجم تروریزم هم اشاره کرده است.

او در قسمتی از سخنرانی خود می‌گوید: «از مشخصه‌های دیگر تروریزم می‌توان به روابط ذاتی و اساسی آنان با شبکه‌های اقتصادی جرمی بالخاص شبکه‌های مواد مخدر که به مثابه عرصه‌یی برای سیاست‌های جرمی و جهانی می‌باشد، اشاره نمود.»

بنابراین به صورت خلاصه اشرف غنی سه مشخصهٔ الهام‌گیری از امواج پیشین، ارتباط با گروه‌های تروریستی بین‌المللی و ارتزاق از اقتصاد جرمی را از مشخصات موج پنجم تروریزم می‌داند.

کدام گروه‌ها را می‌توان به‌عنوان موج پنجم تروریزم دسته‌بندی کرد؟

داعش به عنوان نماد موج پنجم تروریزم شناخته می‌شود. بسیاری از کارشناسان بر این باورند که داعش کامل‌ترین نمونهٔ موج پنجم تروریزم است و به صورت واضح می‌توان این مشخصات را در داعش دید.

دکتور آراین شریفی و همین‌طور آقای زاهد آریا تاکید می‌کنند که داعش، مشخصات موج پنجم تروریزم را به خوبی در خود دارد. به عنوان نمونه داعش هم جغرافیای کلانی را تصرف کرده بود، در پی تصرف آن بود و هم خود را ساختاری دولتی معرفی می‌کرد.

البته قابل یادآوری است که برخی از نظریه‌پردازان حوزهٔ امنیت، بوکو حرام که در شمال نیجریه فعالیت می‌کند را هم مشمول همین تعریف دانسته‌اند و آن را هم گروه تروریستی مربوط به موج پنجم توصیف کرده‌اند.

آیا طالبان هم مشمول موج پنجم تروریستی می‌شوند؟

محمد هاتف، روزنامه‌نگار و تحلیلگر مسایل امنیتی تاکید می‌کند که طالبان هم جز موج پنجم تروریزم هستند. آقای هاتف می‌گوید که تمام مشخصاتی که برای موج پنجم تروریزم گفته شده، در مورد طالبان صدق می‌کند. طالبان هم جغرافیایی کلانی را تحت کنترل دارند/ می‌خواهند تحت کنترل داشته باشند. هم ساختاری دولت دارند.

به باور آقای هاتف طالبان برعلاوه که می‌خواهند جغرافیایی به اسم افغانستان را تحت کنترل خود بگیرند، ساختاری دولتی هم دارند. طالبان همین حالا برای تمام ولایت‌ها و ولسوالی‌ها، والی و ولسوال نام‌نهاد دارند و تشکیلات آنان، با امارت اسلامی که ساختاری دولتی است گره خورده است.

آقای هاتف می‌گوید که طالبان هر سه مشخصه را که رئیس‌جمهور در سخنرانی‌های خود گفته، دارا می‌باشند؛ طالبان هم از تاکتیک‌های امواج پیشین همچون ترورهای هدف‌مند، حمله به اماکن نظامی و عملیات انتحاری استفاده می‌کنند و هم از اقتصاد جرمی همچون قاچاق به ویژه قاچاق مواد مخدر ارتزاق می‌کنند و هم با گروه‌های تروریستی بین‌المللی همچون داعش و القاعده ارتباط دارند. به باور آقای هاتف، طالبان نیز مشمول موج پنجم تروریزم هستند .

میزان خطر موج پنجم تروریزم چقدر است؟

آقای زاهد آریا تاکید می‌کند که افغانستان با تهدید تروریزم بین‌المللی مواجه است و این تهدید نه تنها که افغانستان، بل منطقه و جهان را با خطر مواجه می‌سازد. فعالیت گروه‌های تروریستی مختلف در افغانستان می‌تواند این کشور را به پایگاه و مرکز تروریزم در منطقه و جهان تبدیل کند.

آقای هاتف تاکید می‌کند که حضور بیست گروه تروریستی در افغانستان همچون القاعده، لشکر طیبه، جیش محمد، سپاه صحابه، شبکه حقانی، تنظیم البدر، حرکت ترکستان شرقی، نهضت اسلامی اوزبیکستان و دیگر گروه‌های فعال تروریستی باعث شده که افغانستان همچنان تهدیدی بالقوه برای امنیت جهانی باشد.

آقای هاتف با توجه به اینکه طالبان را نیز موج پنجم تروریزم می‌داند و از سویی به باور او این گروه روز به روز قوی‌تر می‌شوند، تاکید می‌کند که اگر افغانستان و تهدیدهای برآمده از این موج در افغانستان نادیده گرفته شود، ما شاهد تکرار وقایعی چون یازدهم سپتامبر و تهدید دوبارهٔ امنیت جهانی از خاک افغانستان هستیم.

به گفته هاتف، در میان کشورهای منطقه، هیچ کشوری بسان افغانستان، با تهدید موج پنجم مواجه نیست و به همین جهت باید به این تهدید، توجه ویژه‌یی صورت بگیرد .

۳

madanyatdaily.com

سرمقاله

مخالفت با بودجه؛ مخالفت با تفکیک قوا

● یکی از اصول پذیرفته‌شده در نظام‌های دموکراتیک امروز، اصل تفکیک قوا است. تفکیک قوا از اصول بسیار مهم در نظام‌های مردم‌سالار است که براساس آن، قدرت میان سه قوای مشخص مجریه، مقننه و قضاییه تقسیم می‌گردد.

مونتسکیو دانشمند فرانسوی واضع اصل تفکیک قواست. وی به این می‌اندیشید که چگونه می‌توان قدرت را کنترل کرد. او با پیشنهاد این نظریه تلاش کرد تا بتواند در گام اول، قدرت را تقسیم و در گام بعدی راهی برای کنترل قدرت بیابد.

در نظام‌های مختلف، برداشت‌های مختلفی از مساله تفکیک قوا به میان آمد و همین عاملی شد بر اینکه دو نوع تفکیک قوای مطلق و نسبی به‌وجود آید. در نظام‌های ریاستی تفکیک قوا از نوع مطلق آن است که هر کدام از قوا استقلال کامل از دیگری دارد و نمی‌توانند در وظایف یکدیگر دخالت کنند. ایالات متحده امریکا نمونه خوبی برای این گونه نظام‌هاست. در مقابل نظام پارلمانی قرار دارد که در آن تفکیک قوا نسبی حاکم است که براساس آن قوا در انجام امورات خود در همکاری نزدیک با هم هستند و بسیاری از وظایف به صورت مشترک اجرایی می‌کنند. نظام سیاسی انگلستان می‌تواند نمونه خوبی برای این دسته از نظام‌ها باشد.

به باور کارشناسان حوزه حقوق عمومی، کشور ما هم نشانه‌هایی از نظام ریاستی و هم نشانه‌هایی از نظام پارلمانی را داراست. براساس قانون اساسی افغانستان، رئیس‌جمهور بالاترین مقام باصلاحیت در کشور است که می‌تواند بسیاری از تصمیم مهم را اتخاذ کند. به نظر می‌رسد این مساله در کنار برخی مکانیزم‌های سنجیده‌شده ما را به سمت نظام ریاستی سوق می‌دهد، اما پارلمان نیز دارای صلاحیت‌هایی‌ست که به آن اجازه می‌دهد که در برخی موارد دخالت‌های خود را داشته باشد. البته این دخالت‌ها باید در چارچوب قانون بوده و زمینه برای بهترشدن تصمیم دولت فراهم آورد.

متأسفانه در خصوص بودجه سال آینده میان دولت و پارلمان چالش‌هایی به‌وجود آمد که باعث شد تا سند بودجه دو مرتبه از سوی پارلمان رد شود. در ظاهر امر، سند بودجه از دید پارلمان دچار مشکلاتی از جمله یکسان‌نبودن معاشات کارمند دولت و مواردی مثل آن است؛ اما اگر ظاهر قضیه بگذریم متوجه خواهیم شد که هدف اصلی پارلمان از مخالفت با بودجه سال آینده برمی‌گردد به مباحث سیاسی که نه ارتباط به منافع کلان ملی و نه منافع موکلین و کلا دارد بل از زوایای پنهان مشخص است که وکلای پارلمان خواهان رسیدن به منافع شخصی خود هستند؛ منافعی که در قالب سهم داشتن در پروژه‌های خرد و کلان ملی، تحت فشار قرار دادن وزرا برای انجام فرمایشات غیر قانونی وکلا، نادیده گرفتن عملکردهای فراقانونی وکلا در تاراج سرمایه‌های ملی و موارد مانند آنها تجلی پیدا می‌کنند.

پارلمان بارها نشان داده که در رسیدگی به مسایل مهم کشوری و تصمیم‌گیری در خصوص مباحث مهم، به‌جای آنکه به فکر منافع ملی باشد به فکر آن است تا اهداف کوتاه مدت وکلا تامین گردد. مواردی مانند دریافت پول برای تایید نامزد وزرای پیشنهادی از جانب دولت، تهدید وزرا به استیضاح، استفاده غیر قانونی از صلاحیت ها، استفاده غیر قانونی از حق مصونیت و … از جمله مواردی است که اهداف شخصی وکلا را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر وکلا به‌جای آنکه به فکر منافع مردم و موکلین خود باشند برای موافقت با یک طرح یا رد آن، ابتدا به فکر منافع شخصی خود هستند.

در بحث بودجه ۱۴۰۰ نیز چالش، موارد ظاهری که توسط پارلمان عنوان می‌شود، نیست؛ زیرا که براساس اصل تفکیک قوا مسؤولیت تنظیم سند بودجه دولت است که در قانون اساسی نیز به آن اشاره شده و پارلمان تنها می‌تواند آن را رد یا تایید کند. اینکه پارلمان خواهان درج نظرات خود در این سند است نه مطابق قانون اساسی است و نه براساس منافع ملی. زیرا که بر همگان روشن است که پارلمان، به محل معامله عده‌یی سودجو تبدیل شده است که منافع کلان کشور را دست آویز رسیدن به اهداف کوچک فردی خود کرده اند.

در نهایت می‌توان گفت که این تقابل نشان داد که تصمیمات پارلمان نه براساس منافع ملی، نه براساس قانون اساسی و نه براساس تفکیک قوا است.



الیف شافاک: باید داستان‌های متفاوتی تعریف کنیم تا تصویری انسانی از «دیگری» ارائه دهیم

● در لهستان، اقلیت‌های جنسی به دشمن شماره یک تبدیل شده‌اند. در مجارستان، گروه‌های نئونازی در دفاع از اخراج کولی‌ها تظاهرات می‌کنند. پارسال قربانیان بیش از نیمی از جرایم ناشی از نفرت در نیویورک یهودی بودند. در آلمان، حمله به اقلیت‌ها و پناهندگان به شکل خطرناکی افزایش یافته است. در بریتانیا، آمار و ارقام وزارت کشور حاکی از افزایش شدید در جرایم ناشی از نفرت، از جمله علیه اقلیت‌های جنسی و شهروندان تراجنسیتی، است. در ترکیه، برازیل و هند، شکل خطرناکی از جزم‌اندیشی همچنان در حال رشد است. همه این رویدادهای ظاهراً متفاوت وجه مشترکی دارند: نفرت نظام‌مند و سوگیری علیه کسانی که متفاوت به شمار می‌روند: انسانیت‌زدایی از «دیگری»

نگاهی به «بی‌معنایی، رهاشدگی و متن»

اثر نورمحمد نورنیا

حبیب همدرد

«بی‌معنایی، رهاشدگی و متن» با نام فرعی خوانش‌هایی برای گفتمان نقد و نقدادبی در افغانستان، کتابی ست که نویسنده در آن کوشیده تا خوانش‌هایی از آثار تولید شده در دههٔ پسین را ارائه کند. او هم‌چنین تحقیقاتی با عناوین مختلف انجام داده است. اسم این کتاب به زیبایی و با تطابق درست انتخاب شده است. متن‌ها در کتاب، به معنای واقعی در خلای بی‌معنایی رها شده‌اند. به عبارتی نویسنده، آگاهانه متن‌ها را پراکنده کرده و با معلق‌قرار دادن، آنها را در بی‌معنایی نگه‌داشته است. بر همین اساس متن‌های گردآوری شده در این مجموعه، صورت‌بندی مشخصی ندارند. نه همه مطالب به صورت خوانش نقد نگاشته شده‌اند، نه به صورت مقالات تحقیقی و نظری. این چند دسته‌گی، کتاب را در شکلی از پراکندگی و بی‌معنایی قرار داده است. کتاب در چهاربخش تدوین شده است که اینجا درنگ مختصر بر هر بخش آن خواهم داشت. بخش اول شرحی بر مکاتب و نظریه‌های ادبی است که نویسندگان و پژوهشگران افغان آنها را نقد یا ترجمه کرده‌اند و یا مورد پژوهش قرار داده‌اند. نویسنده کتاب‌های متعددی چون «تئوری‌های ادبی و نقد ادبی» از محمدرحیم الهام، «انالیهای ممکن متن» از یعقوب سینا، «تاریخ تحلیلی داستان‌نویسی افغانستان» از محمدحسین محمدی، «بوطقای نو» از سیدرضا محمدی «مالیخولیا و تردید» از عمران راتب، «مواجهه با متن» از دکتر یامان حکمت، «داستان‌ها و دیدگاه‌ها» از حسین فخری، و... را نام می‌برد و توضیحات مختصری دربارهٔ آنها ارائه می‌دهد. نورنیا آشنایی ادبیات افغانستان با ادبیات جهان را، با آغاز به کار مجلهٔ دولتی «سراج‌الاجبار» که بیش از یک سده از فعالیت آن می‌گذرد، مقارن می‌داند.

گویی در «سراج‌الاجبار» ستونی به ترجمه اختصاص داشته است، که یکی از ترجمه‌های آن رمان سورریالیستی «سیاحت بر روی زمین در هشتاد روز» از ژول ورن است. در قسمت دوم بخش یکم، نویسنده به خوانشی از کتاب‌های «زندگی در قمار می‌گذرد» از عفیف باختری «فراموش کابل» از ابراهیم امینی، «در برگشت به مرگ» از یعقوب سینا، «من فقط سیاه نبودم» از حکیم علی‌پور، و... می‌پردازد و با دیدی دقیق و بیان شیوا به کارشناسی این آثار پرداخته است.

از دید نگارنده، این خوانش‌ها از زیباترین خوانش‌هایی است که تاکنون دربارهٔ این آثار نگاشته شده است.

بخش دوم این اثر، مشتمل بر سه عنوان مقالهٔ تحقیقی بسا رویکرد التقاطی- تبیینی است. مقالهٔ اول، با عنوان «ادبیات مقاومت: ادبیات خوارج» به ادبیات مقاومت افغانستان پرداخته و «خلیل الله خلیلی» را نمونهٔ افلاتونی در مثل اعالی شعر مقاومت» (ص ۱۰۳) خوانده است. نمونهٔ شعرهای خلیلی را با رویکرد مقایسوی با ادبیات خوارج بررسی کرده و در جایی بیان می‌کند: ادبیات مقاومت افغانستان، ادبیات مرگ است، ادبیات مردگان، ادبیاتی که در رمانتیزه کردن مرگ، کارکردی بی‌نظیر دارد. نسبتی با زندگی و زندگان ندارد. در این ادبیات از شوخی و شادی خبری نیست و قاطعیت و جدیت آن، تهوع‌آور است.» (ص ۱۱۲) طوری که عبیده بن حلال از شاعران خوارج سروده بود: «... هیچ نعمتی برتر از مرگ به انسان داده نشده؛ زیرا او را از مصایب دنیا آسوده می‌کند و نیز در قبر هم خوار نمی‌شود.» (ص ۱۰۴) در مقالهٔ با عنوان «چیستی و چرایی شعرهای ترجمهٔ استاد واصف باختری» به چند و چون ترجمه شعرهایی می‌پردازد که واصف باختری برگردان کرده است.

وی می‌گوید: «در کار ترجمهٔ واصف باختری دو ویژگی دیده می‌شود: یک، شعرهایی از شاعرانی که به زبان انگلیسی وجود داشته است. دو، شعرهایی که بار معنایی مشخصی را حمل می‌کرده است.» وی در ادامه بیان می‌کند که واصف باختری شعرهایی را برگردان کرده که از لحاظ بار معنایی دارای روحیهٔ پرخاشگری، اعتراض، استبدادستیزی، کارگرستایی و توده‌گرایی‌اند.» (ص ۱۱۵)

در مقالهٔ دیگر با عنوان «اقبال: نیجهٔ اسلام» نیجهٔ بازتاب یافته در اشعار اقبال را بررسی می‌کند، به تفاوت‌ها و دیدگاه‌های مشترک بین این دو متفکر می‌پردازد، و می‌گوید که نیجه و اقبال دربارهٔ هستنده دید متفاوت، اما درباره مذهب و جریان‌های دینی هم‌عصرشان نگاهی همگون دارند. همانطور که نیجه می‌گفت: «آلمان را مسیحیت و شراب از پیشرفت باز داشته است.»

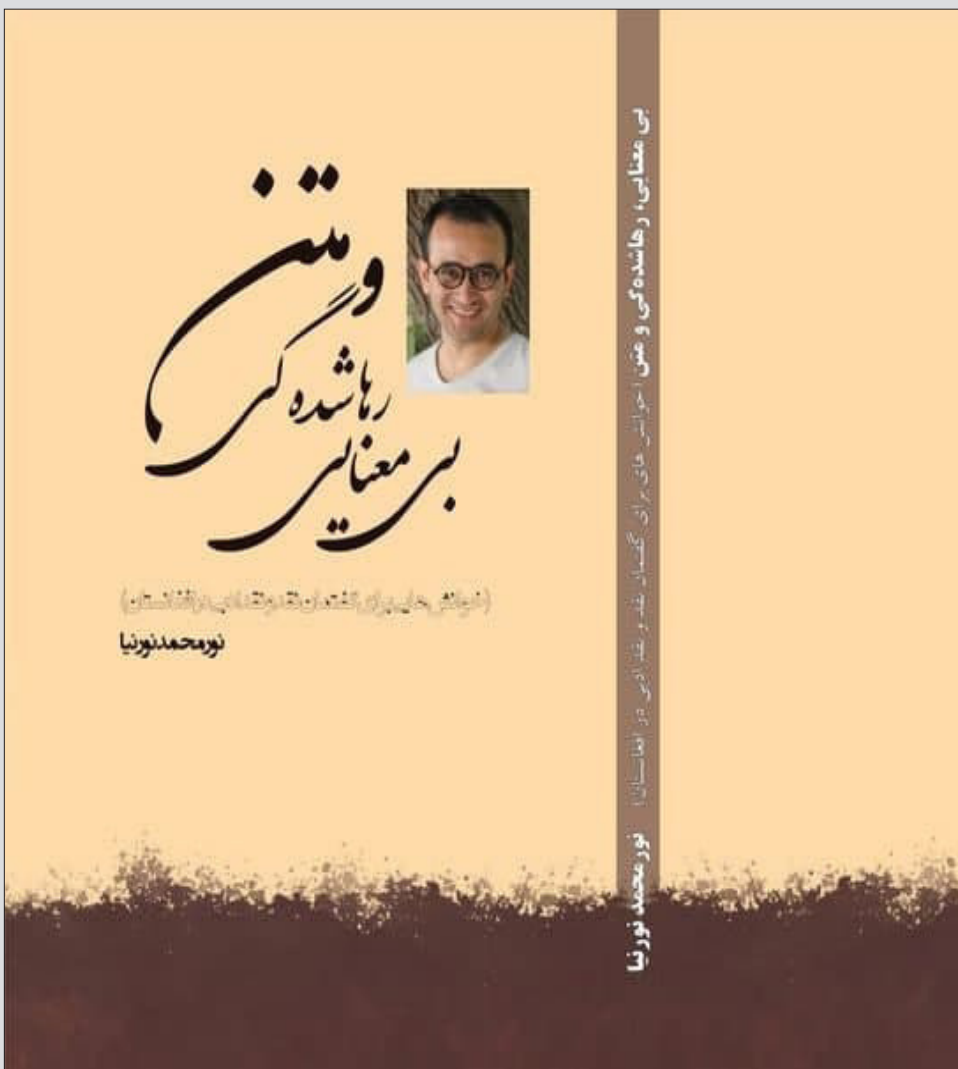
نویسندهٔ کتاب، با استناد به رباعی‌های از اقبال می‌نویسد:

خدا از تفسیرهای که ملا بر کتاب او نگاشته، حیرت‌زده می‌شود و بر تاویل‌های آنها شک می‌کند.» (ص ۱۴۱) و در بخش دیگر، نویسنده به نگاه معطوف به قدرت اقبال می‌پردازد. تو گویی این مدعا، مخالفت صریح اقبال با تصوف بوده است: «اقبال می‌خواست که شخص مسلمان را ابرانسان نیجه بسازد. ابرانسانی که نخستین ویژگی‌اش قدرت است.» (ص ۱۵۱)

در بخش سوم، در مقالهٔ سورریالیزم، عرفان و شعر

فرهنگی. هرچند این گفته تا جایی واقعیتی است تلخ، اما در حقیقت گزاف است. اگر با این دید به کتاب‌های افغانستان نگریسته شود، کتاب حاضر نیز بایست به یک بار دیدنش نمی‌ارزید، اما نگارنده به عنوان خوانندهٔ این کتاب، از دیدن و خواندنش پشیمان نیستم .

مطلب «جای خالی موسیقی زمینی در افغانستان» اشارات پراکنده‌یی است در باب موسیقی افغانستان با این تاکید که موسیقی افغانستان بیشتر معنآگرا است تا موسیقی گرا. نوشته



سورریالیستی بیدل» نویسنده می‌کوشد تا رابطهٔ بینامتنی شرق و اشعار بیدل دهلوی را بررسی کرده و آشکار سازد. «بین سورریالیزم غرب، عرفان شرق، تشابهاتی است. نخست اینکه هر دو به دنبال نوعی ذهنیت مطلق می‌گردند. هر دو می‌خواهند در نوعی کمال غیر فیزیکی، گونهٔ کمال غیر عینی و اوج غیر قابل لمس معنوی و روحی، غرق شوند.» (ص ۱۵۸)

نویسنده با استناد به گفتارها و نوشته‌هایی از زرین کوب، براهنی، حسینی و... بیدل را نیز جزو سورریالیست‌ها معرفی می‌کند. «

نگارش خیالات بنگیانه در نزد شاعران هندی امری معمول بوده است. آنها اغلب برای گفتن شعر، به عوالم بنگ و ایفون پناه می‌برند. بنگ، در تعطیل حواس و ادراک عقلی و فعال کردن ناخودآگاه، نقش موثری دارد.» (ص ۱۶۶)

در مقالهٔ با عنوان «جای‌گشت ضحاک در جغرافیا، فرهنگ توده و ادبیات رسمی افغانستان» نویسنده به مناطقی می‌پردازد که در اسطوره‌ها، در روایت‌های ضحاک، و در جغرافیای افغانستان نام برده شده‌اند.

به طور مثال از «شهر ضحاک»، «قلعهٔ ضحاک»، «درهٔ آهنگران»، «البرزکوه» و «قلعهٔ فریدون» نام می‌برد. نویسنده بازتاب نماد (ضحاک افغانستان) در شعرهای اعتراضی را در ادبیات فارسی پرخاشگر، مقاومت و ضدجنگ برجسته می‌داند.

در بخش چهارم، در متنی با عنوان «انسان افسون‌شدهٔ افغان و متن» که گویی متن سخنرانی باشد در باب «چگونه خواندن»، «چه خواندن» و «چه نخواندن» بحث می‌کند، و می‌گوید: «تمام کتاب‌های کتاب‌فروشی‌های افغانستان به یک بارخواندن چی که به یک باردیدن هم نمی‌ارزد» (ص ۱۹۸)

و اینکه کتابفروش‌ها نگاه تجاری به کتاب دارند، نه نگاه

با صد هزار مردم تنهایی

بی صد هزار مردم تنهایی

رودکی

● حضور دیگران برخی از اقسام تنهایی را چاره می‌کند. تنهایی فیزیکی با هر نوع حضوری و طیفی از تنهایی‌ها با حضور یاران یکدل، چاره‌پذیر است. با این حال، قسمی از تنهایی نیز هست که چاره‌پذیر نیست. تنهایی ما در پیشگاه وجدان یا در پیشگاه خدا، از آن قسم است. حضور خانواده، اقوام و حلقهٔ دوستان، هزاران حُسن و لطف دارد. اما چه بسا غافل‌مان سازد که در پیشگاه حقیقت، تنهایییم. حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی، موقعیت‌های درخشان مالی و علمی، برخورداری از نبوغی که ما را به چهره‌هایی نافذ، فره‌مند و پُر‌جذبه تبدیل می‌کند و هر نوع پشتوانه و حمایت ارتباطی که به علل اکتسابی و غیراکتسابی نصیب ما شده است، می‌تواند ما را گرفتار غرگی و فریب کند. این احساس راه‌زن دغل که کسی شده‌ایم و کسانی مسخر ما شده‌اند، به فروتنی ما در برابر خداوند صدمه می‌زند. و آدمی آنجا طغیان می‌کند که گمان کند بی‌نیاز شده است: «حقاً که انسان سرکشی می‌کند. همین که خود را بی‌نیاز پندارد.» (علق/۶ و ۷) قرآن وقتی احوال قیامت را توصیف می‌کند اشارات متعددی به «تنهایی» انسان می‌کند: «روزی که آدمی از برادرش و از مادرش و پدرش و از همسرش و پسرانش می‌گریزد. در آن روز هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می‌دارد.» (عبس، ۳۴ تا ۳۷)

«و هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی [حال] نپرسد. آنان را به ایشان نشان می‌دهند. گناه‌کار آرزو می‌کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز می‌توانست پسران خود را عوض دهد. و [نیز] همسرش و برادرش را. و قبیله‌اش را که به او پناه می‌دهد. و هر که را که در روی زمین است همه را [عوض می‌داد] و آنگاه خود را رها می‌کرد.» (معارج/۱۰ تا ۱۴)

«پس آنگاه که در صور دمیده شود [دیگر] میانشان نسبت خوبشاوندی وجود ندارد و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند.» (مومنون/۱۱)

«و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده‌اید و شفیعانی را که در [کار] خودتان شریکان [خدا] می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم به یقین پیوند میان شما بریده شده و آنچه را که می‌پنداشتید از دست شما رفته است.» (انعام/۹۴)

«و روز قیامت همه آنها تنها به سوی او خواهند آمد.» (مریم/۹۵)

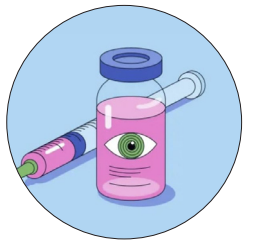
این اشارات متعدد به تنهایی انسان در هنگامه‌ی قیامت، گر چه بسیار تلخ و ناباورانه است اما می‌تواند ما را خاضع و فروتن سازد.

صبح

صایب تبریزی

از بس مکدرست درین روزگار صبح از دل نمی‌کشد نفس بی غبار صبح رخسار نو خط تو خوش آمد به دیده‌اش از شب کشید سرمه دنباله دار صبح باشد نظر به زنده دلان، شیرخواره‌یی هر چند آمده است به دنیا دو بار صبح جان می‌دهد نسیم خوشش اهل درد را دارد مگر نفس ز لب لعل یار صبح؟

از دفتر صباحت آن آفتاب روی یک فرد باطل است درین روزگار صبح از شرم هیچ جا نتواند سفید شد تا دیده است چاک گریبان یار صبح گردد در آفتاب پرستی دو تیغه باز ببند اگر به چهره آن گلغذار صبح مهر قبول بر ورش آفتاب زد تا لوح ساده کرد ز نقش و نگار صبح خورشید بوسه بر قدم شبروان زند سر بر زند ز دیده شب زنده دار صبح سالک میان خوف و رجا سیر می‌کند مانده است در کشاکش لیل و نهار صبح بتوان به قصر شیرین از جوی شیر رفت باشد دلیل گمشدگان را به یار صبح زان کمترست عمر که گیرند ازو حساب بیهوده می‌کند نفس خود شمار صبح تخم زمین پاک، یکی می‌شود هزار از ابر دیده قطره چندی ببار صبح گلدسته بهشت برین، روی تازه است برگ شکوفه ای است ازین شاخسار صبح هر شام، دور جام شکرخند از کسی است



نظریه توطئه دربارهٔ واکسین

جان لی: نظریهٔ توطئه اغلب شتابزده و بی‌محابا بین حوزه‌هایی که پیشتر پیوندی با یکدیگر نداشتند ارتباط برقرار می‌کند اما کشف توطئه‌یی واقعی مستلزم آشکار ساختن پیوندهایی پیشتر ناشناخته در داخل حوزه‌یی واحد است. همانطور که آندره آ کیتا (Andrea Kitta)، فولکلورشناس، به تفصیل نشان داده است جنبش ضدواکسین بیانگر دغدغه‌هایی یکصد ساله دربارهٔ ایمنی، کارآمدی و کنترل حکومتی و همچنین بازتاب باورها و اعتراض‌های دینی و فلسفی مبنی بر «غیرطبیعی» بودن واکسین است. دو مضمون مشترک در این روایت‌ها این است که واکسین‌ها به دریافت‌کنندهٔ آن آسیب می‌زنند و مواد تشکیل‌دهندهٔ واکسین‌ها مشکوک است. برای مثال، روایت‌هایی دربارهٔ این که واکسین‌ها عامل شیوع اوتیسم هستند ادعا می‌کنند که تزریق واکسین امام‌آر سیستم عصبی را از پا در می‌آورد و نسبت به سمی بودن تیومرسال، مادهٔ نگهدارندهٔ موجود در واکسین‌ها، هشدار می‌دهند.

مدیت

سال دهم • چهارشنبه ۲۹ دلو ۱۳۹۹

اجتماع

madanyatdaily.com

پایتخت نابسامان و مدیریت زباله پیامدهای عدم مدیریت زباله

تحقیقی از موسسه سبز جوانان افغانستان در شهر کابل

تفکیک متفاوت است: سوختاندن برای گرمایش در فصل سرما و تغذیه حیوانات یکی از دو هدف این کار می‌باشد. به این معنا که تفکیک زباله نیز به منظور بازیافت یا سایر استفاده‌های مفید صورت نمی‌گیرد. لذا لازم است تا در آینده اقدامات و برنامه‌هایی جهت تفکیک زباله و بازیافت آن در سطوح بهتری روی دست گرفته شود. هرچند شاروایی کابل پلان‌هایی برای بازیافت و استفاده مجدد در نظر دارد، ولی در حال حاضر هیچ طرح عملی برای این کار وجود ندارد.

تنظیم نهایی

زباله‌های شهر کابل در یک منطقه جمع‌آوری



شده و به شکل انبار عمومی نگهداری می‌گردد و در بسیاری موارد دفن می‌شود که به هیچ وجه مناسب نیست. این وضعیت به آلودگی زمین نیز منجر می‌شود. از سوی دیگر، هیچ مکانیزمی جهت بازیافت و تبدیل آن به مواد مفید دیگر یا استخراج انرژی و ... وجود ندارد.

پیشنهادات

جمع‌آوری زباله‌های جامد

جمع‌آوری زباله‌ها در نقاط مختلف در مناطق غیرپلانی یک طرح خوب است. در برخی مناطق کوهستانی غیرپلانی، دسترسی به نقاط محل جمع‌آوری زباله وجود ندارد و افزایش نقاط محل جمع‌آوری یک امر ضروری است. از سوی دیگر، جمع‌آوری خانه به خانه نیز برای آنها مقدور نیست. با این حال، سیستم جمع‌آوری زباله خانه به خانه که در مناطق پلانی اجرا می‌شود، نیازمند همکاری اعضای جامعه است و یک روند پاسخگو می‌باشد. با توجه به تجربه‌های گذشته و پروژه‌های انجام شده، بسیاری از موارد مشابه با همکاری مردم پیشرفت خوبی داشته است. بدیهی است که این نوع برنامه‌ها به همکاری تخنیک‌های مسئول ضرورت دارد.

چالش‌های سنتی

جمع‌آوری مواد فاضلاب تشناب‌های سنتی و خاک‌های آلوده به آب‌هایی که از این تشناب‌ها سرازیر می‌شود، مشکل جدی دیگری است. این مشکل در مناطق غیرپلانی که دسترسی به خدمت شاروایی ندارند، به‌خصوص در مناطق کوهستانی شدیدتر است.

هرچند جمع‌آوری بعضی مواد مسوولیت شاروایی نیست، ولی در بعضی اوقات شاروایی مجبور است این مواد یا حداقل خاک‌های آلوده به مواد فاضلاب از داخل جوی‌ها را انتقال دهد. درحال حاضر، هیچ مکانیزم منظمی جهت تنظیم این مواد وجود ندارد.

لذا یک راه حل قابل قبول جهت حل این معضل نیز ضروری است تا به نحو منظمی، این مواد به کود قابل تغذیه نباتات تهیه شود. چگونگی تنظیم و مدیریت این مواد، نیازمند مطالعه دقیق و جداگانه است تا راهکار درستی جهت تبدیل آن به کود برای نباتات آرایه گردیده و چالش‌های موجود نیز مورد ارزیابی قرار گیرد.

ترکیب زباله

موضوع دیگر در مناطق تحت مطالعه در این تحقیق، ترکیب زباله‌هایی است که تولید می‌شود. ما به یک پلان منظم جهت تفکیک زباله از مواد فاضلاب و عدم انتشار فاضلاب به مجاری آب آشامیدنی نیاز داریم. علاوه برآن، تنظیم و مدیریت زباله‌های جامد نباید به اولویت ثانوی و دومی

تربیون

فهرست آپورت

● آپورت، فهرستی از ویژگی‌های افراد خودشکوکا تهیه کرد

که به فهرست صفات افراد سالم شبیه است:

ظرفیت برای گسترش نفس؛ افراد سالم

(افراد بالغ و عاقل) در حوزه وسیعی از کارها شرکت می‌کنند. آنها دوستان و سرگرمی‌های زیادی دارند و از لحاظ سیاسی یا مذهبی معمولاً فعال هستند.

افراد سالم در فعالیت‌های خارج از خود شرکت می‌کنند. مثلاً، در فعالیت‌های اجتماعی نقش برعهده می‌گیرند، و داوطلبانه، در میان بی‌سپرپناهان غذا توزیع می‌کنند. آنها می‌توانند از خودشان برای دیگران مایه بگذارند.

ظرفیت برای تعاملات انسانی گرم

افراد سالم می‌توانند با سایر انسانها روابط صمیمانه داشته باشند، بدون آن که احساس حسادت یا مالکیت کنند. این افراد، مهربان و دلسوز هستند و می‌توانند تفاوت‌های بزرگ بین ارزش‌ها و باورهای خود و دیگران را تحمل کنند. افراد سالم، به حقوق، نیازها، و ارزش‌های دیگران احترام می‌گذارند. مثلاً، جوک‌هایی نمی‌گویند که عزت نفس دیگران به خطر بیفتد.

آرامش هیجانی و قبول نفس خود را قبول داشتن

افراد سالم، تحمل لازم برای پذیرش مناقشات و سرخوردگی‌های غیرقابل اجتناب زندگی را دارند. آنها از خودشان تصویر مثبت دارند. افراد سالم می‌توانند ناکامی‌های زندگی را تحمل کنند، بدون آن که واکنشی خارج از حد معمول نشان دهند. مثلاً، بلافاصله بعد از طلاق، ازدواج نمی‌کنند و برای آن که به خودشان نشان دهند که هنوز می‌توانند مورد پسند دیگران واقع شوند، بلافاصله درصدد ازدواج مجدد برنمی‌آیند.

داشتن برداشتهای واقع‌گرایانه

افراد سالم، روی داده‌ها را همانگونه که هست می‌بینند، نه آنگونه که امیدوار بودند ببینند. این افراد، به هنگام ارزیابی یک رویداد یا یک موقعیت، و در انجام‌دادن کارهایی برای تصحیح آن، نشان می‌دهند که عقل سلیم دارند. افراد سالم در دنیای واقعی زندگی می‌کنند و در برابر مشکلات زندگی، روش منطقی پیش می‌گیرند، نه روش خودخواهانه یا دفاعی. مثلاً، دانشجویی که در امتحان نمرهٔ کم می‌گیرد، به جای مقصدانستن استاد، به عادات مطالعه خود نگاه می‌کند تا بتواند نقاط ضعف آن را از بین ببرد و در آینده عمل کرد بهتری داشته باشد.

فلاکتِ آموخته شده» چیست؟

اکونومیست فارسی

● مارتین سلیگمن و همکارانش در دهه ۶۰ میلادی در دانشگاه آکسفورد بر روی واکنش سگ‌ها به شوک الکتریکی مطالعه می‌کردند. در این پژوهش سگ‌ها در قسمتی مخصوص قرار می‌گرفتند سپس از کف قفس به آن‌ها شوک داده می‌شد.

دسته اول سگ‌ها قبل از شروع شوک یک زنگ هشدار می‌شنیدند اما دسته دوم بدون هشدار مورد شوک قرار می‌گرفتند.

سگ‌ها برای نجات پیدا کردن، کافی بود از روی دیوار کوتاه بپرند و به سمت دیگر بروند. دسته اول که هیچ تجربه‌یی از شوک نداشتند خیلی زود راه فرار را پیدا کردند و از روی دیوار پریدند.

دسته دوم سگ‌ها که یاد گرفته بودند با پوزه خود شوک را قطع کنند، این بار هم خیلی زود متوجه شدند که با پریدن از دیوار می‌توانند خود را نجات دهند.

اما جالب اینجا بود که بیشتر سگ‌های دسته سوم که در مرحله قبل هیچ راه نجاتی برای فرار از شوک نداشتند، این بار هم برای فرار کاری نکردند. آن‌ها روی کف برق دار قفس خوابیدند و شروع به زوزه کشیدن کردند!

مارتین سلیگمن نام این وضعیت سگ‌های نالان را «درماندگی آموخته‌شده» گذاشت.

سگ‌ها چون در مرحله قبل بارها تلاش‌شان برای نجات با شکست مواجه شده بود، فکر می‌کردند که این بار نیز هیچ راهی برای فرار ندارند. آن‌ها رنج شوک‌الکتریکی را تحمل می‌کردند تا تمام شود.

با انجام آزمایش‌های دیگر سلیگمن متوجه شد که این وضعیت درباره انسان‌ها و حتی جامعه انسانی نیز صادق است. سلیگمن پی برد که درماندگی آموخته شده می‌تواند از مهم‌ترین دلایل افسردگی باشد.

او درماندگی آموخته‌شده را به دو دسته تقسیم کرد عمومی و فردی. درماندگی عمومی حالتی است که فرد شرایط، جامعه و دیگران را مقصر شکست می‌داند و در درماندگی فردی، شخص خودش را سرزنش می‌کند که برخلاف دیگران توانایی انجام کاری را ندارد.

فلاکت آموخته شده یکی از اثرات جدی در عدم موفقیت افراد و ملل شناخته می‌شود. اگر شخص یا ملت به درماندگی خو کرد و یاد گرفت که فلاکتش درمانی ندارد، دست از تلاش می‌کشد.

● برای طراحی این سیستم

جامع ما نیازمند هماهنگی

نهادهای حکومتی با اعضای

جامعه می‌باشیم. در کنار آن،

نباید سکتور خصوصی و

بخش‌های شاغل در امر

تنظیم زباله فراموش شود. .

تمامی این موارد باید در

اسناد پلانی و استراتژی

بخش‌های تنظیم زباله محیط

زیستی درج گردد.

ندارد. هرکدام از این موارد باید با یکدیگر ارتباط دقیق و منطقی داده شده و توضیح و توجیه گردد. این معلومات و آگاهی باید در سطح خانواده‌ها و فرزندان شان گسترش داده شود.

مدیریت مشارکتی

بعد از سقوط حاکمیت گروه طالبان، بعضی از پروژه‌ها در شهر کابل تطبیق شد، ولی ادامه نیافت و استمرار آن با مشکل مواجه شد. بعضی از این پروژه‌ها دارای نتایج مستمر نبوده و سرمایه‌گذاری در آن بخش‌ها به هدر رفت. با توجه به این تجربه‌ها، مدیریت مشارکتی و واگذاری ادامه کار به اعضای جامعه از اهمیت بالایی در ثبات و استمرار پروژه‌ها برخوردار است.

مشارکت مردمی کمک می‌کند تا مراحل عملیاتی پروژه ادامه یابد. در این صورت است که اعضای جامعه خود را مالک پروژه احساس نموده و به خاطر منافع‌شان و اینکه سرمایه‌گذاری روی آن انجام داده‌اند، اشتیاق بیشتری برای ثبات و استمرار آن پیدا می‌کنند و حتی حاضر به هزینه برای ادامه آن هستند.

مدیریت مشارکتی جامعه و مجریان پروژه در خصوص مدیریت زباله از استمرار و ثبات آن ضمانت می‌کند و باعث دوام دار بودن آن خواهد شد. مشارکت جامعه باید در مراحل مختلف از ابتدا تا انتها مورد توجه قرار گرفته و عملی گردد.

سریع‌ترین رایانه کوانتومی جهان به کمک کشف داروی کرونا آمد

● محققان در حال توسعه یک ماشین هستند که قدرت محاسبات کوانتومی را در زمینه کشف دارو به کار خواهد گرفت و مشکلات منطقی موجود در فرآیندها را رفع خواهد کرد.

به نقل از تیم تحقیقاتی NTT، این شرکت جاپانی از همکاری خود با شرکت امریکایی Caltech خبر داده است تا به کمک یکدیگر سریع‌ترین کامپیوتر جهان (CIM) را توسعه دهند. کامپیوترهای CIM دستگاه‌های پیشرفته‌ی هستند که رویکرد امیدوارکننده‌ی برای حل مشکلات بهینه‌سازی ارایه و با استفاده از نقشه برداری به جستجوی مشکلات می‌پردازند.



کاربرد اصلی این رویکرد محاسباتی جدید به منظور کشف دارو است. تولید داروهای جدید با استفاده از این روش از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد تا از آن‌ها برای مبارزه با بیماری‌های جدیدی همچون کرونا استفاده شود. معمولاً از کشف دارو به عنوان یک مشکل بهینه‌سازی ترکیبی یاد می‌شود. پروسه کشف داروی موثر معمولاً شامل تعداد بسیاری از مولکول‌های بالقوه مناسب پزشکی می‌شود که میان پروتئین‌های مد نظر قرار دارند؛ این پروتئین‌ها معمولاً مسئول یک بیماری خاص هستند.

از رایانه‌های معمولی برای تکرار فعل و انفعالات شیمیایی در فضای پزشکی و سایر زمینه‌های زیستی و علوم شیمی استفاده می‌شود. برای انجام دقیق معادلات پزشکی، فناوری کوالکام می‌باید در انجام ترکیبات احتمالی فراتر از آزمون و خطا عمل کند.

روش‌های امنیتی بایومتریک جایگزین پسوندهای معمولی

چرا امنیت پسورد امر مهمی دانسته می‌شود؟ بیماری کرونا مردم را مجبور کرده تا به زندگی و کار در دنیای دیجیتال روی بیاورند. به این خاطر اهمیت رمز عبور و امنیت دیجیتال از سالهای گذشته بیشتر گشته است.

افزایش امنیت «رمز عبور» مهم‌ترین کاری است که افراد می‌توانند برای محافظت از داده‌های خود انجام دهند. طبق نظرسنجی جدیدی که iProov منتشر کرده است، تقریباً ۷۵ درصد از افراد به دلیل نقض امنیت مجبور شده‌اند رمز خود را تغییر دهند.

این بررسی همچنین نشان می‌دهد که: ۹۵ درصد پاسخ‌دهندگان به حریم خصوصی داده‌های خود اهمیت می‌دهند.

دو سوم پاسخ‌دهندگان از تغییر رمز عبور خود احساس ناراضی‌تی

● **افزایش امنیت «رمز عبور» مهم‌ترین کاری است که افراد می‌توانند برای محافظت از داده‌های خود انجام دهند. طبق نظرسنجی جدیدی که iProov منتشر کرده است، تقریباً ۷۵ درصد از افراد به دلیل نقض امنیت مجبور شده‌اند رمز خود را تغییر دهند.**

می‌کنند. ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان احساس می‌کنند هیچ کنترولی بر حریم خصوصی داده‌های خود ندارند.

هنگام تغییر رمز عبور باید به این نکته توجه داشت که باید رمز عبور جدید به اندازه کافی قدرتمند باشد تا هکرها نتوانند به راحتی به آن دست‌یابی پیدا کنند. این مورد بدین معناست که در رمز عبور می‌باید ترکیبی از حروف، علائم و اعداد استفاده کرد. با این وجود، اکثر رمزهای عبور مورد استفاده از ساده‌ترین ساختار ممکن بهره می‌برند.

تحقیقات انجام شده توسط کمپنی مشهور امنیتی نوردپس نشان می‌دهد که متداول‌ترین رمز عبور مورد استفاده پسورد "۱۲۳۴۵۶" است که توسط دومیلیون و ششصد هزار نفر در سراسر دنیا استفاده می‌شود. به دنبال آن رمزهای همچون ۱۲۳۴۵۶۷۸۹، picture ۱، ۱۲۳۴۵۶۷۸، ۱۱۱۱۱۱، ۱۲۳۴۵، ۱۲۳۱۲۳، Senha بیشترین استفاده را دارند. جو پالمِر که در حوزه احراز هویت بایومتریک آنلاین فعالیت می‌کند؛ قصد دارد معضل تغییر رمز عبور را مورد بررسی قرار دهد و در این باره به خبرگزاری دیجیتال ژورنال چنین گفته: «صرف‌کنندگان در دنیای مجازی و آنلاین احساس امنیت ندارند. گذر واژه‌ها برای محافظت از داده‌های خصوصی دیگر گزینه قابل اطمینان محسوب نمی‌شوند.

بیل گیتس: پایان همه‌گیری کرونا بسیار ساده‌تر از مقابله با تغییرات اقلیمی خواهد بود

● به گفته گیتس، حل مشکل تغییرات اقلیمی به شگفت‌انگیزترین کار بشر تا به امروز تبدیل می‌شود و اینکار بسیار سخت‌تر از پایان دادن به همه‌گیری کرونا خواهد بود. مدیرعامل سابق مایکروسافت در کتاب جدیدش به نام «چگونه از فاجعه اقلیمی دوری کنیم»، راهکارهایی برای رفع مشکل گرمایش جهانی ارایه کرده است.

با وجود چنین موضوعی، گیتس در مصاحبه اخیرش به این موضوع اشاره کرده که نباید مقیاس این چالش را دست کم بگیریم: «ما تا به امروز کاری مانند آنچه طی ۳۰ سال آینده رخ می‌دهد، انجام نداده‌ایم و سابقه‌ی در این زمینه نداریم.»



درس‌های کارآفرینی از «جف بزوس»

● **گردآورنده: نجمه رسا**

● مدیر اجرایی آمازون، جف بزوس؛ در طول سال‌ها تجربه‌هایی کسب کرده که می‌تواند راهنمای کارآفرینان باشد.

جف بزوس قرار است در سه ماهه سوم ۲۰۲۱ از سمت خود استعفا دهد و به عنوان رییس هیات مدیره این فروشگاه اینترنتی فعالیت کند، مدیر کنونی سرویس‌های وب آمازون (AWS) یعنی «اندی جاسی» جایگزین بزوس خواهد شد. بزوس می‌خواهد در آینده در کمپنی فضایی «بلو اوریجین» تمرکز و وقت بیشتری را صرف توسعه راکت‌ها کند. جف بزوس بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی، در چندین شرکت از جمله «فیتل» و شرکت «D. E. Shaw & Co» مشغول به کار شد، اما رشد بی‌نظیر شبکه وب توجه او را به خود معطوف کرده بود. وی متوجه شد در سال ۱۹۹۴، میزان استفاده از اینترنت در عرض یک سال ۲۳ برابر شده و اولین جرقه‌های راه‌اندازی فروشگاه اینترنتی در ذهنش شکل گرفت.

وی فهرست ۲۰ شرکت برتر اینترنتی را استخراج کرد و متوجه شد هیچ کدام به فروش کتاب نمی‌پردازند. از سوی دیگر وی در بررسی‌های خود دریافت که تهیه کاتالوگ کامل فزیکتی از همه کتاب‌ها کاری بسیار سخت است.

در نتیجه ایده راه‌اندازی اولین کتابفروشی آنلاین که بتواند اطلاعات کتاب‌های زیادی را به نمایش بگذارد، پررنگ‌تر شد. وی متوجه شد می‌تواند بدون نیاز به تهیه کاتالوگ فزیکتی، با کاهش چشمگیر هزینه‌ها، افزایش سرعت در عملیات خرید، امکان تغییر روزانه کاتالوگ‌ها و خیلی مزایای دیگر این کار را استارت

بزند. درنهایت نام وبسایت خود را آمازون به نام بزرگترین رود جهان گذاشت و باور داشت وبسایت کوچکش روزی می‌تواند به بزرگترین کتابخانه جهان تبدیل شود.

کارآفرینان در مورد جف بزوس و درس‌هایی که از وی آموخته‌اند می‌گویند:

● «جیسون تان»، بنیانگذار و مدیر اجرایی «Sift»: جف بزوس در ابتدای مسیر سختی‌های زیادی را متحمل شد و در سال‌های اول فعالیتش، ضرر و زیان زیادی را تجربه کرد، اما به حرکت خود ادامه داد. بزوس دیدگاهی بلند مدت داشت و به مسیری که پا در آن گذاشته بود، ادامه داد. جف بزوس معتقد است

که بنیانگذاران این شرکت باید همواره مثل روزهای اول با انگیزه و هدفمند به حرکت خود ادامه دهند و دست از تلاش برندارند.

او عمیقاً می‌داند که یکی از رمزهای موفقیت وی به عنوان یک کارآفرین توجه به نیازهای مشتریان و مخاطبان‌شان است. جلب اعتماد مشتریان کار ساده‌ی نیست و نباید اعتبار را فدای نتایج کوتاه مدت کرد.

● «سین فوی»، مدیر عامل «Shift»: جف بزوس نه تنها به کلیات، بل به جزئیات امور نیز توجه ویژه‌ی نشان می‌دهد. برای مثال هیچ‌گاه در آمازون عبارتی مانند تاریخ تحویل تخمینی شنیده نمی‌شود و همه چیز با دقت و به‌موقع انجام می‌شود. جف بزوس معتقد است هر وعده‌ی که به مشتری داده می‌شود باید دقیق انجام شود و در مورد آن کوتاهی صورت نگیرد.

● «جیسون کینگدون»، مدیر عامل «Blue Prism»:



یکی از بزرگترین درس‌هایی که از جف بزوس آموختم، این است که سرمایه‌گذاری مستمر در همه حوزه‌هایی که سودهای فزاینده‌ی را به دنبال دارند، رویکردی خلاقانه است که می‌تواند به عنوان نیروی محرکه قدرتمندی به تسلط بر بازار کمک کند. «مت کالکینز»، بنیانگذار و مدیر عامل شرکت «Appian»: وقتی جف بزوس در مورد موضوعی صحبت می‌کند یا مطلبی می‌نویسد، به اندیشه‌هایش توجه می‌کنم چون می‌دانم هوشمندانه تصمیم‌گیری و عمل می‌کند. او برای هر کاری که انجام می‌دهد، در موردش صحبت می‌کند یا در مورد آن چیزی می‌نویسد، دلیلی دارد.

● «کانداک نلسون»، بنیانگذار «Sprinkles»: جف بزوس معتقد است که برند تجاری همان چیزی است که وقتی شما در اتاق نیستید دیگران درباره کسب و کار شما مطرح می‌کنند و می‌گویند.

برندهای تجاری ممکن است اطلاعات زیادی در مورد خود به دیگران ارایه بدهند تا هویت برند خود توصیف کنند، اما هویت واقعی هر برند همان تعریفی است که مشتریان و مخاطبان ارایه می‌دهند. اعتمادی که مشتریان به برندهای مختلف دارند، هویت آن برند را معنی می‌دهد و وفاداری طولانی مدت مشتریان به ارزشمند شدن برندها کمک می‌کند. «مایکل ویتمر»، بنیانگذار و مدیر عامل شرکت «FloQast»: بزرگترین درسی که از جف بزوس آموختم این بود که بی‌وقفه به دنبال نوآوری و خلاقیت بود و روی آن تمرکز می‌کرد. سال ۱۹۹۴ آمازون تنها یک وبسایت ساده کتابفروشی بود که با گذشت سال‌ها توانست به فروشگاه‌های آنلاین و کامل تبدیل شود. یکی از دلایل چنین پیشرفتی آن است که هرگز دست از تلاش و نوآوری برنداشته و با گذشت زمان دامنه عملکرد خود را گسترش داده است.

● «امیوچ کومار»، مدیر عامل و بنیانگذار Fortanix: جف بزوس کارآفرینی است که شاید همچون بسیاری از کارآفرینان آرزوهایی بزرگ دارد اما فرق او با بقیه آن است که هرگز از رویای بزرگ خود دست نکشیده و برای رسیدن به آن تلاش کرده. ارایه خدمات خاص و ویژه به مشتریان و ایده‌هایی برای بهینه‌سازی سود آمازون در سال‌های اولیه شکل‌گیری باعث شدند اکنون با شرکتی به ارزش بیش از ۱۰۷ تریلیون دلاری تبدیل شود. «دیو جاکوسکی»، بنیانگذار Ureka: یک روز جف بزوس سوال عجیبی از من پرسید و گفت:

«در شهر ساتل چند پنجره وجود دارد؟» من برای پاسخ این سوال مفصل توضیح دادم که با توجه به جمعیت شهر، متوسط تعداد اعضای خانوار و اطلاعات دیگری می‌توان تعداد پنجره‌های هر ساختمان را برآورد و درنهایت به عدد تخمینی تعداد پنجره‌ها دست پیدا کرد. از جف بزوس پرسیدم که به نظر او چقدر در برآورد خود اشتباه کرده‌ام و نگاهم را چگونه ارزیابی می‌کند.

وی پاسخ داد که فقط قصد داشته بدانم من چگونه فکر می‌کنم. از نظر وی نوع نگاه و سبک تفکری کارآفرینان می‌تواند در موفقیت آنها تأثیرگذار باشد.

تمرین ۲ دقیقه‌ی صبحگاهی برای بهره‌وری بیشتر

این حس، در پایان کارت خود موردی را بنویسید که می‌خواهید از دست آن راحت شوید. برای مثال می‌توانید درباره جلسه‌ی بنویسید که به آن نرسیده‌اید و می‌خواهید دیگر به آن فکر نکنید.

هر روز صبح می‌توانید با صرف تنها ۲ دقیقه زمان، یک کارت کوچک را با موارد بالا پر کنید. مسلماً چنین کاری باعث نمی‌شود همیشه خوشحال باشید یا دیگر با هیچ مشکل یا اضطرابی مواجه نشوید، اما روز بهتری را تجربه خواهید کرد و با گذر زمان، تأثیر مثبتی روی کیفیت زندگی‌تان خواهد داشت.

منبع: Harvard Business Review



● بنویسید یا اینکه به‌جای برنامه شدید ورزشی، روزانه ۱۰ دقیقه پیاده‌روی کنید.

برای شروع کار باید چندین کارت کوچک بخرید و با نوشتن کارهای روزانه، از خستگی تصمیم‌گیری دوری کنید. شاید پس از مدتی دوباره شروع به تمرکز روی تفکرات منفی کنید که البته این اشتباه شما نیست و مربوط به «آمیگدال» یا «بادامه» مغز انسان‌ها می‌شود.

تکامل باعث شده به اخبار بد و غم‌انگیز توجه کنیم و به همین دلیل بطور مداوم به دنبال کارهای اشتباه خود هستیم. آمیگدال عملکرد بی‌نظیری در جستجوی مشکلات، پیدا کردن و رفع آن‌ها دارد. رسانه‌های خبری و شبکه‌های اجتماعی از همین موضوع استفاده می‌کنند و با ترکیبی از محتوا، بیشترین توجه را به خود جلب می‌کنند، بنابراین شما در این زمینه تنها نیستید.

برای جلوگیری از این مشکل، باید درون کارت خود چیزی درباره داشته‌هایتان بنویسید و قدردان آن‌ها باشید. اینکار را برای چندین هفته تکرار کنید تا علاوه بر اینکه شما را خوشحال‌تر کند، از نظر فزیکتی هم سالم‌تر شوید.

تا به اینجای کار باید در کارت خود کارهای روزانه و همچنین مواردی که قدردان آن‌ها هستید را نوشته باشید. با این وجود تمام ما در طول زندگی با حس پشیمانی دست و پنجه نرم می‌کنیم که می‌تواند تأثیر مخرب روی ما داشته باشد. برای دوری از

● بسیاری از ما بنا بر دلایل مختلفی با استرس و اضطراب روبه‌رو هستیم. این احساسات می‌توانند روز ما را خراب کنند. با این حال برای اینکه روز بهتری داشته باشید و بهره‌وری شما افزایش پیدا کند، می‌توانید یک کارت کوچک تهیه کنید و یک

تمرین ۲ دقیقه‌ی را هر روز صبح انجام دهید. برخی افراد زمانی که با شرایط نامساعدی مانند تنهایی، مشکلات بی‌خوابی یا اضطراب بی‌پایان مواجه می‌شوند، شروع به کار زیاد می‌کنند و در حقیقت معتاد به کار می‌شوند. در حقیقت ما برای فرار از احساسات ناخوشایند، کار را به عنوان جایگزین انتخاب می‌کنیم.

دلیل چنین موضوعی می‌تواند «خستگی تصمیم‌گیری» باشد و در حقیقت شما به دنبال انجام کارهای زیادی در یک روز هستید. برای جلوگیری از بروز چنین مشکلی باید تعداد کمی از اهداف روزانه و کارهایی که می‌خواهید در طول روز روی آن‌ها تمرکز کنید را در یک کارت کوچک بنویسید. برای یادداشت این موارد از عبارتهایی مانند «من امروز می‌خواهم روی اینکار تمرکز کنم»، استفاده کنید. این تمرین باعث تعادل در روزهای شما می‌شود و دیگر با سوالاتی مانند «باید در ادامه چه کاری انجام دهم؟» روبه‌رو نمی‌شوید. علاوه بر این می‌توانید پروژه‌های بزرگ را به چندین کار ساده تقسیم کنید. برای مثال اگر می‌خواهید در یک دوره مشخص یک کتاب بنویسید، می‌توانید روزانه ۵۰۰ کلمه از آن را

مسی؛ مردی برای تمام فصول

کتاب «درک شکوه»، زندگی‌نامه لیونل مسی

● کینگ لئو، کینگ مسی، پادشاه فوتبال، فوتبالیست فضایی و هزاران لقب دیگر، همه مختص به بازیکن کوتاه قد ارجنتاینی‌ست که میلیون‌ها نفر اعتقاد دارند چقدر خوش‌شناس هستیم که در دوره‌ی زندگی می‌کنیم که او هم زنده است و دارد فوتبال بازی می‌کند.

مسی نیازی به معرفی ندارد. او یک افسانه واقعی‌ست. او فراتر از تمام اسطوره‌های فوتبال است، حتی بالاتر از مارادونا. می‌گویند مارادونا گاهی اوقات مارادونا بود، اما مسی همیشه مارادوناست.

به قول ری هادسن: «کسی که یک زبان خلق می‌کند، فعالش می‌کند و احساسات و نوع‌مان را برمی‌انگیزد، در یک کلمه شاعرمان می‌کند.»

خیلی‌ها به طور دیوانه‌واری عاشق مسی هستند؛ از سیاستمداران گرفته تا هنرمندان و مدل‌های معروف و حتی نویسندگان و اهل ادبیات. یکی از این نویسندگان، یوردی پونتی رمان نویس و روزنامه‌نگار کاتالانی‌ست، که دیوانه‌وار عاشق مسی است. او مسی را ستایش می‌کند، او را می‌پرستد. روزها از خیابان لارامبلا عبور می‌کند تا به نیوکمپ برسد و محبوبش را تماشا کند. هر فصل، هر بازی، قطعاً روزهایی در کنار فواره کانالتاس برای قهرمانی تیمش خوشحالی کرده و اشک ریخته و حتی روزهای سخت‌تر از این را برای بارسلونا دیده است، اما پونتی یک طرفدار معمولی نیست، محقق است، کتاب می‌خواند و درکی عجیب از ادبیات و اسطوره‌ها دارد. جایی در کتاب می‌گوید: «تعجب نمی‌کنم اگر روزی مشخص شود مسی یکی از خدایان آرتک یا مایاها باشد!»

سایمون کوپر، نویسنده کتاب فوتبال علیه دشمن، درباره این کتاب می‌گوید: «یوردی پونتی نویسنده‌ی با قلمی زیبا و یک هوادار بارسلوناست که تمام دوران مسی را تماشا کرده و عاشق اوست. کسی بهتر از او برای نوشتن کتابی درباره مسی وجود ندارد، پونتی نمی‌خواهد مسی را توضیح دهد، که البته تلاشی ناممکن است، فقط از فوتبال او لذت می‌برد. این کتابی زیبا و لذت‌بخش است.» حالا تصور کنید چنین نویسنده‌ی با چنین قلم شوبویی که صد البته عاشق مسی هم هست، دست به قلم شود و زندگی‌نامه مسی را بنویسد. کتاب درک شکوه نتیجه این آمیختگی عشق و تجربه است.

«درک شکوه» که فاینلیست جایزه ادبیات ورزشی تلگراف هم شد، متشکل از ۲۲ فصل کوتاه است که توسط نویسنده مشهور و طراز اول کاتالان، یوردی پونتی نوشته شده است. پونتی در سطور این کتاب زیبایی‌ی نوع مسی و شگرفی عشق و تعصب هواداران به او را مورد بررسی قرار می‌دهد. او ما را از یک «افسانه» آمریکایی جنوبی درباره پسر قهرمان عبور می‌دهد و به شکوه و درگیری‌های زندگی، در ابعاد بین‌المللی می‌رساند؛ در این بین شوق ما به دیدن تجربیات این بازی زیبا، فوتبال، از دید او پنهان نمی‌ماند.

قلم یوردی پونتی، به شکلی متبحرانه و ظرافتی فرانسوی در احترام به مسی می‌ایستد، و هم‌زمان ترکیبی از یک ادبیات ناب، با زبان یک طرفدار را به وجود می‌آورد. به قول سایمون کریچلی، فیلسوف معروف انگلیسی که کتاب «وقتی به فوتبال می‌اندیشیم، به چه می‌اندیشیم» را هم به رشته تحریر درآورده، درباره کتاب پونتی می‌گوید: «او تلاش نمی‌کند که مسی را شرح دهد، فقط می‌خواهد از آن لذت ببرد.» مسی ارجنتاینی تمام دوران فوتبالش را در بارسلونا گذرانده، کوتاه قامت و فروتن است و هرگز زیرانی نمی‌زند و نمایش نمی‌دهد. جدا از نتوهایش، کاملاً مخالف چیزی است که از یک فوتبالیست مدرن انتظار داریم، او یک ارجنتاینی بداخلاق و خونگرم از فوتبال خشن آمریکای جنوبی نیست. پونتی عاشق مسی است، اما می‌توان گفت تا حدی عدالت را رعایت کرده است. او می‌گوید: «مسی پناهی‌های زیادی خراب می‌کند، چون گل کردن آن‌ها بسیار ساده است.» خوب، شاید منطقی نباشد، اما در عوض در جایی دیگر می‌گوید: «مسی گاهی طوری قدم می‌زند که انگار کلیدش را گم کرده است و این دقیقاً درست است.»

پپ گواردیولا در مورد این کتاب می‌گوید: خواندن این کتاب زیبا درباره لئو مسی، به من یادآوری کرد هر دقیقه که کنار او سپری کردم و چهارسال تماشای او هنگام تمرینات و مسابقات، چقدر فوق‌العاده بوده است. اگر بخواهم برای یادآوری چنین تجربه‌ی‌ای از کلمات استفاده کنم، فقط شعری از مایا آنپلو به ذهنم می‌رسد: «آموخته‌ام که مردم چیزهایی که می‌گویند را فراموش می‌کنند. کارهایی که کرده‌اید را فراموش می‌کنند، اما هرگز احساساتی را که در آن‌ها برانگیخته‌اید فراموش نخواهند کرد.» ادبیات و فوتبال در چند چیز مشترک هستند، اما فقط یکی از این موارد این دو را متحد می‌کند: کار دشوار پیشگویی درباره نویسندگان و بازیکنانی که آینده را شکل خواهند داد. نگاهی شعرگونه در وصف صدایی جدید، یا مقالاتی که به‌تازگی یک ناباکوف، رودوردا یا بولانو دیگری کشف کرده‌اند و بعید است در بیشتر این موارد واقعیت بعد از ۱۰ سال نامیدکننده نباشد. همین اتفاق درباره آنالیزورها و استعدادیاب‌های فوتبال هم می‌افتد: هر هفته آن‌ها کرویف یا مارادونا می‌دیدند کشف می‌کنند و مطمئن بسیاری از والدین بازیکنان تیم جوانان بارسا فکر می‌کنند پسرشان ژاوی، پیول یا والدز جدید است. (باید اضافه کنم، حداقل تا حالا نشنیده‌ام کسی به شکل جدی، مسی جدیدی کشف کرده باشد، شاید به این دلیل که او چنان فوق‌العاده است که به نظر بی‌معنا می‌رسد کسی شبیه او بازی کند و در این مورد باید این شوخی پیکاسو را همیشه به یاد داشته باشیم: خداوند کسانی را که از من تقلید می‌کنند، حفظ کند، چون اشتباهات مرا به ارث می‌برند!) بیشتر منتقدان ادبی و تحلیلگران فوتبال چشمان بی‌احساس خود را طوری پرورش داده‌اند که مشاهده‌ی نظری داشته باشند و به‌ندرت از نظر فیزیکی در هنری که دلبسته آن هستند سرآمدند: گل کوچک در کوچه یا نوشتن مطلبی کوتاه برای بازنگشتگی یک دوست، به حساب نمی‌آید! باین حال گاه‌وب‌گاه خردمندانی استثنایی وجود دارند که براساس تجربه شخصی جرات پیش‌گویی پیدا می‌کنند و درست هم می‌گویند. برای مثال یادم می‌آید هلینو هررای بزرگ، معروف به جادوگر، اسطوره تضاد، روان‌شناس رختکن و پیش‌گوی فوتبال مدرن بود. سال ۱۹۷۹، زمانی که مارادونا ۱۹ سال داشت و در تیم جوانان ارجنتاین می‌درخشید، اما هنوز چیزی نبرده بود، هررا مصاحبه‌ی با مجله ورزشی ال گرافیکو انجام داد. از او پرسیدند فوتبالیست آینده چگونه است؟ او جواب داد: فوتبالیست قرن بیست‌ویکم شباهت زیادی به مارادونا دارد. کوتاه، اما قوی است، با جادویی که فقط مارادونا و کمپیوترها در اختیار دارند؛ اما او نمی‌دانست که مسی را توصیف کرده بود.

«فراید»

رقابت‌های جوجیتسو به‌منظور شناسایی برترین‌ها در کابل برگزار شد

● رقابت‌های جوجیتسو روز دوشنبه (۲۷ دلو) با اشتراک ۲۵۰ ورزشکار از باشگاه‌های مختلف کابل برگزار شد. این رقابت‌ها به هدف گزینش برترین ورزشکاران این رشته به تیم منتخب کابل، برگزار گردیده‌است. ورزشکارانی که در این رقابت‌ها اشتراک کرده‌اند، از فدراسیون جوجیتسو می‌خواهند تا چنین رقابت‌ها را بیشتر سازد. مجتبی، یکی از ورزشکاران می‌گوید: «این رقابت‌ها تأثیر زیادی روی ورزشکاران دارد. آنها را آماده به رقابت‌های خارجی می‌سازد. ذکر یا احمدی، یکی دیگر از ورزشکاران می‌گوید: «رقابت‌ها هر سال برگزار نمی‌شود، ما از فدراسیون می‌خواهیم تا هر سال این رقابت‌ها را برگزار کند.» این رقابت‌ها در حالی برگزار شده‌اند که مسوولان فدراسیون جوجیتسو امیدوار هستند با برگزاری این رقابت‌ها بتوانند برترین‌ها را برای تیم ملی انتخاب کنند. محمدصابری، رییس فدراسیون جوجیتسو می‌گوید: «این رقابت‌های انتخابی تیم‌های تازه و چهره‌های تازه است که نخست در سطح کابل بعد در تمام افغانستان برگزار می‌شود.»



چهارسو

عذرخواهی نخست‌وزیر استرالیا:

اتهام تجاوز در پارلمان را بررسی می‌کنیم



و خبرنگار زن دیگر نوشت: «استرالیا به نخست‌وزیر نیاز دارد نه به شمایل پدانه.»

اتهام تجاوز اخیر، پس از مجموعه‌ی از اتهامات بدرفتاری با زنان در حزب لیبرال استرالیا، فشار بیشتری به کابینه اسکات موریسون آورده است.

پرهیز کرده بود. نخست‌وزیر استرالیا روز دوشنبه اعلام کرد خانم هیجنز به‌هیچ وجه وادار به شکایت نکردن نشده و یک روز بعد گفت: «این اتفاق نباید می‌افتاد، من عذرخواهی می‌کنم.» وی افزود: «می‌خواهم اطمینان داشته باشم که هر زن جوانی که اینجا کار می‌کند تا جای ممکن امنیت دارد.»

آقای موریسون که خود دو دختر جوان دارد، همزمان با این سخنان گفت که همسرش از وی خواسته تا «به‌عنوان پدر به این مساله نگاه کند.» اما یک خبرنگار زن حاضر بلافاصله از وی پرسید: «اگر همسر و پدر نبودید چطور؟ آیا نباید به عنوان یک انسان به این موضوع نگاه می‌کردید؟»

● اسکات موریسون، نخست‌وزیر استرالیا از زنی عذرخواهی کرد که مدعی شده همکارش در پارلمان این کشور به وی تجاوز کرده است. آقای موریسون همچنین وعده داد که درباره رفتار حرفه‌ی در فضای کاری دولت، بررسی جامعی صورت بگیرد.

به گزارش یورو نیوز، بریتنی هیجنز، ۲۶ ساله و مشاور رسانه‌ی پیشین دولت استرالیا اعلام کرده است که یکی از همکارانش که کارمند دفتر نخست‌وزیری بوده، در سال ۲۰۱۹ در دفتر وزیر دفاع به وی تجاوز کرده است.

خانم هیجنز گفته بود که مراتب را به رییس خود اطلاع داده و در نهایت در جلسه‌ی که در این باره تشکیل شده به تجاوز اشاره کرده است.

وی سال گذشته میلادی با رسانه‌های محلی درباره این تجاوز صحبت کرد اما به‌خاطر نگرانی درباره آینده شغلی‌اش از ثبت شکایت رسمی نزد پولیس

هشدار اسرائیل به جو بایدن

● دولت اسرائیل هشدار داد که اگر هدف جو بایدن بازگشت صرف به برجام باشد، دولت تل‌آویو به همکاری خود با رییس‌جمهوری امریکا در خصوص تعریف راهبردی جدید درقبال پرونده اتمی



کوریای جنوبی: هکرهای کوریای شمالی به دنبال دزدیدن فرمول واکسین فایزر هستند

● سازمان اطلاعات کوریای جنوبی روز سه‌شنبه، ۲۸ دلو، در گزارشی نوشت که هکرهای کوریای شمالی سعی دارند برای دست یافتن به اطلاعاتی در مورد واکسین ویروس کرونا به سیستم‌های رایانه‌ی شرکت امریکایی فایزر رخنه کنند.

به گزارش رادیو فردا، کوریای شمالی از ماه جنوری سال گذشته برای جلوگیری از ورود ویروس کرونا از چین، مرزهای خود را بسته نگاه داشته است.

کیم جونگ اون، رهبر کوریای شمالی، مکرراً گفته که در کشور هیچ موردی از ابتلا به ویروس کرونا دیده نشده است، اما کارشناسان بین‌المللی در این مورد تردید دارند.

روز سه‌شنبه نمایندگان پارلمان کوریای جنوبی پس از یک نشست پشت درهای بسته به خبرنگاران

گفتند که کوریای شمالی سعی داشته است با هک کردن فایزر به فرمول واکسین و روش‌های درمان کووید ۱۹ دست پیدا کند.

کارشناسان می‌گویند که کوریای شمالی ارتشی شامل هزاران هکر کارکشته تشکیل داده که بارها به شرکت‌ها، نهادها و محققان کره جنوبی و دیگر کشورها حمله سایبری کرده‌اند.

واکسین کرونای فایزر که با همکاری شرکت آلمانی بیون‌تک تهیه شده از اواخر سال گذشته به تأیید نهادهای درمانی رسید.

فایزر می‌گوید که قرار است طی سال ۲۰۲۱، حداکثر دو میلیارد دوز از این واکسین را تحویل کشورهای مختلف دهد.

نیویارک تایمز:

رژیم ایران با نقشه حمله به سفارت امارات در اتیوپی مرتبط بوده است

خبری ایالات متحده از جمله فکس نیوز، پولیتیکو، واشنگتن اگزیمیر به نقل از منابع ناشناس ایالات متحده نوشتند که ایران به تلافی حمله پهپادی امریکا در اوایل سال جاری میلادی که به کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس منتهی شد، در حال آماده شدن برای ترور لانا مارکس، سفیر ایالات متحده در افریقای جنوبی است.

مایک پمپئو؛ وزیر خارجه ایالات متحده در آن زمان در واکنش گفته بود: خیلی واضح برای جمهوری اسلامی ایران مشخص می‌کنیم که چنین فعالیت‌هایی و حمله به هر امریکایی چه دیپلمات، سفیر یا نیروهای نظامی، هرجا و هر زمان، قابل قبول نیست.

کشته شدن محسن فخری‌زاده، مدیر ارشد برنامه هسته‌ی و قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس درنظر بگیرد.

ادمیرال هایدی ک. برگ، مدیر اطلاعاتی فرماندهی افریقا در وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) می‌گوید ایران پشت عملیات ۱۵ نفری بود که در اتیوپی بازداشت شدند و احمد اسماعیل، مغز اصلی این حمله بود که در سویدن دستگیر شده است. به گفته آقای برگ اتیوپی و سویدن برای برهم زدن این دسیسه همکاری کردند.

هنوز مقامات ارشد امریکایی در این باره اظهارنظر نکرده‌اند. این گزارش می‌گوید سفارت جمهوری اسلامی در ادیس ابابا، اتهام‌ها را رد کرده است. پیش از این و در ماه سنبله ۱۳۹۹ چند منبع

● روزنامه نیویارک تایمز در گزارشی اعلام کرد ۱۵ نفری که به اتهام بررسی حمله به سفارت امارات متحده عربی در ادیس ابابا، پایتخت اتیوپی بازداشت شده‌اند با جمهوری اسلامی ایران مرتبط بوده‌اند.

به گزارش صدای امریکا، مقامات اتیوپی هنوز هویت دستگیرشدگان را افشا نکرده است، اما بنا به گزارش نیویارک تایمز و به نقل از مقامات امریکایی و اسرائیلی پس از دستگیری احمد اسماعیل، متهم شماره ۱۶ در سویدن مشخص شد حکومت ایران پشت این حمله بوده است.

این عملیات بخشی از تلاش گسترده‌تری برای شناسایی اهداف نرم در افریقا بوده تا جمهوری اسلامی ایران آنها را به عنوان انتقام احتمالی